

المختصر في صفة الحج (الجمعية)
مختصری در مورد طریقه حج

مختصری در مورد طریقه حج

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على نبينا محمد، وعلى آله وصحبه أجمعين.

اما بعد:

این رساله مختصر در مورد صفت حج است، که در آن سعی کرده‌ایم بیشتر آنچه را که حاجی به آن نیاز دارد بیان کنیم. از درگاه الله متعال درخواست می‌کنیم که این عمل را خالصانه برای ذات مقدسش قرار دهد، و همه مسلمانان را از آن بهره‌مند سازد. کمیته علمی انجمن خدمت رسانی محتوای اسلامی به زبان‌های گوناگون

پیشگفتار

اول: شرایط پذیرش عبادت:

عبادت نزد الله متعال پذیرفته نمی‌شود، جز به دو شرط: اخلاص، یعنی قصد انجام آن برای رضای الله و سرای آخرت باشد، الله متعال فرموده:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً...﴾¹

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾¹

و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند. [البینه: 5].
و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: « إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى ».

¹ یعنی: روی آوردن به او و عبادت او، و روی گرداندن از هر چیز دیگر. تفسیر سعدی (ص 538)

"کلیه ی اعمال بستگی به نیت دارد، و برای هر فردی آنچه که نیت کرده حاصل می گردد.¹

پیروی از پیامبر صلی الله علیه وسلم در گفتار و عمل، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: "من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد" «کسی که در دین ما نوآوری کند که در آن نباشد، پس آن مردود است».² بخاری (2697) و مسلم (1718) روایت نموده اند، و در روایت مسلم (1718): "من عمل عملا ليس عليه أمرنا فهو رد". هر کسی کاری (جدیدی) کند که جزو (دین) ما نباشد، آن کار مردود است.³

اول: احکام میقات ها:

مواقیت: مکان هایی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای کسانی که می خواهند به حج یا عمره بروند از آنجا احرام کنند، تعیین کرده است.

هر کس از یکی از آنها به قصد حج یا عمره بگذرد: باید از آنجا احرام کند، و برای او جواز ندارد بدون احرام از آن عبور نماید. هر که از این میقات ها به مکه نزدیکتر باشد: میقات او همان مکان اوست؛ برای حج و عمره از همانجا احرام نماید.

اهل مکه و مقیمان آن: برای حج از مکه احرام می کنند، اما برای عمره: به حل می روند و از آنجا احرام می کنند، مانند تنعیم و مانند آن.

¹ بخاری، در شماره (1)، و مسلم در شماره (1907) روایت نموده اند.

² بخاری در شماره (2697)، و مسلم در شماره (1718) روایت نموده اند.

³ مسلم در شماره (1718) روایت نموده است.

و کسی که در هواپیما باشد: چون به میقات نزدیک شود احرام می کند، پس قبل از رسیدن به میقات، لباس احرام را آماده کرده و می پوشد، و چون به آن رسید، بلا فاصله نیت احرام می کند، و نه باید آن را به تأخیر بیندازد تا در فرودگاه فرود آید، به دلیل سرعت هواپیما و از ترس فوت مکان تلبیه، و برای احتیاط قبل از رسیدن به میقات تلبیه نماید؛ برای سرعت هواپیما.

دوم: انواع حج و احکام آن:

حج سه نوع است: تمتع، افراد، و قران. بهترین آن حج تمتع است برای کسی که باخود قربانی نیاورده باشد، و آن عبارت است از: این که در ماه های حج برای عمره احرام نموده، طواف، سعی، را بجا آورد و تحلل (از احرام خارج گردد) نماید، سپس در همان سال برای حج احرام نماید. حج افراد: این که تنها برای حج احرام کند، هرگاه به مکه برسد، برای او سنت است که طواف قدوم را انجام دهد، سپس برای حج سعی نماید، موی خود را نمی تراشد و کوتاه نمی کند، و از احرام خود را بیرون نمی نماید، بلکه در حال احرام می ماند تا پس از رمی جمره عقبه در روز عید. و اگر سعی حج را تا بعد از طواف حج به تأخیر بیندازد، اشکال ندارد.

حج قران: اینکه برای عمره و حج احرام نماید، و بگوید: (لبیک اللهم عمره وحجاً).

عمل قارن مانند مفرد است، با این تفاوت که قارن باید ذبح کند، و برای مفرد ذبح کردن لازم نیست.

سوم: صفت احرام و احکام آن:

برای کسی که قصد احرام بستن دارد، اعمال ذیل را باید انجام دهد:

غسل کردن: برای مردان و زنان (حتی زنان حائض و نفساء) سنت مؤکد است.

عطر زدن: مردان بهتر است با بهترین عطرهایی که دارند (مثل عطر چوب عود) به سر و محاسن خود بزنند. باقی ماندن بوی عطر پس از احرام اشکالی ندارد. اما زنان نباید از عطرهایی که بو دارد استفاده کنند تا نامحرم آن را احساس نکند.

پوشیدن لباس احرام: برای مردان، پوشیدن «إزار» (لنگ) و «رداء» (چادر) سفید، تمیز یا نو سنت است. زنان میتوانند هر لباس غیر آراسته و ساده بپوشند، اما نباید نقاب (پوشش صورت) یا دستکش بپوشند. آنها میتوانند صورت و دستان خود را با پارچهای غیر از نقاب بپوشانند.

احرام پس از نماز مشروع (چه فرض یا نافله) باشد، این عمل واجب نیست.

اگر عمره کننده است بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ عُمْرَةً»، اگر مُفَرِّد است بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ حَجًّا»، اگر قارن است بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ عُمْرَةً وَ حَجًّا».

شرط کردن در احرام (در صورت ترس از مانع): اگر احتمال می رود مشکلی او را از اتمام مناسک بازدارد، هنگام احرام این شرط را بگوید: «... وَإِنْ حَبَسَنِي حَابِسٌ فَمَجَلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي». اگر این شرط را بگذارد و مانعی پیش آید، از احرام خارج میشود و هیچ کفاره ای بر او نیست.

سپس پیوسته تلبیه را تکرار کند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ»، مردان باید تلبیه را با صدای بلند بگویند و زنان نیز میتوانند، بجز در حضور نامحرم.

تکرار تلبیه در مواقع تغییر حالات (مثل بالا رفتن از بلندی، پایین آمدن، شروع شب یا روز) بسیار توصیه شده است.¹

تلبیه در عمره از زمان احرام تا آغاز طواف و در حج از زمان احرام تا آغاز جمره عقبه در روز عید جایز است.

محرم باید مواظب باشد تا زمانی که از احرام خارج نشده است در محرمات احرام واقع نگردد.

چهارم: محرمات احرام

محرمات احرام عبارت اند از:

تراشیدن، کوتاه کردن یا کندن مو، از هر قسمتی از بدن.
کوتاه کردن ناخن ها (تمام یا بخشی از ناخن های دست یا پا).
پوشاندن سر با چیزی چسبیده به آن مثل کلاه، عمامه، شال، گذاشتن رداء روی سر، دستمال، پتو، کارتن و غیره، که منظور آن پوشاندن باشد. این حکم ویژه مردان است و شامل زنان نمی شود.

¹ وقتی انسان می گوید: «لَبَّيْكَ» یعنی «ای پروردگار! در برابر فرمان تو حاضر و مطیع» و نشان دهنده پاسخ پیوسته بنده به پروردگار و التزام به اطاعت اوست.

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ»: تمام ستایش و نعمتها از آن توست. «حمد» به معنای توصیف الله با کمالاتش همراه با محبت و تعظیم است، و «نعمت» هر خیری است که الله به بندگانش عطا می کند. «وَالْمُلْكَ»: یعنی فرمانروایی تنها از آن الله است. «لَا شَرِيكَ لَكَ»: هیچ کس در ذات، صفات، مالکیت، آفرینش و پروردگاری شریک الله نیست.

برگرفته از مجموع فتاوی و رسائل ابن عثیمین (جلد ۲۲، ص ۹۶)، به صورت خلاصه.

پوشیدن لباس های دوخته و متناسب با بدن مثل: پیراهن دوخته شده، شلوار، جوراب، دستکش. این حکم نیز ویژه مردان است؛ زنان تنها از این موارد منع می شوند:

پوشیدن نقاب، بُرَق یا پوششی شبیه نقاب، او باید در مقابل مردان نامحرم با پوشش معمول صورت خود را بپوشاند؛ حتی اگر روپوش صورتش لمس کند، برای جلوگیری از تماس پوشش با صورتش، جایز نیست سریند یا مانند آن را بر سر بگذارد؛ زیرا هیچ دلیلی بر مشروعیت آن وجود ندارد.

پوشیدن دستکش. زنان باید دستان خود را با عبايه یا پارچه های دیگر در حضور نامحرم بپوشانند.

استفاده از عطر بر بدن یا لباس احرام.
کشتن حیوانات وحشی، و یا شکار آن حتی اگر آن را نکشد.
خواستگاری (برای خود یا دیگران).
عقد نکاح.

تماس های شهوت آمیز بدون فرج؛ مثل بوسیدن یا لمس با شهوت.

جماع (همبستری) که عبارت است از وطی در فرج.

پنجم: چگونگی طواف

هنگام ورود به مسجد الحرام، مستحب است پای راست را اول بگذارد و دعای دخول مسجد را بگوید، و صحیح ترین روایت در این زمینه گفتن: «اللهم افتح لي أبواب رحمتك» (الهی درهای رحمت را به روی من بگشا) می باشد.

پیش از شروع طواف، اضطباع کند: و اضطباع اینست که وسط رداء را زیر بغل راست گذاشته و دو سر آن را روی شانه چپ بیندازد،

این حالت فقط در زمان طواف است و پس از آن رداء را به حالت عادی بر می گردانند.

به سوی حجر الاسود رفته، آن را با دست راست لمس کرده و ببوسد، اگر بوسیدن آن ممکن نبود، آن را با دست لمس کند و دستش را ببوسد، اگر با دست ممکن نبود، با چیزی که با خود دارد لمس کند چوب یا چیزی شبیه آن را ببوسد، و اگر برایش مقدور نباشد، باید رو به حجر الاسود نموده و با دست خود به آن اشاره کند و آن را نبوسد، ولی بهتر است سبب اذیت مردم نگردد و خود اذیت نشود.

و هنگام استلام حجر الاسود و یا با دست اشاره کردن بسوی آن باید بگوید: «الله أكبر».

سپس سمت راست برود و خانه کعبه را در سمت چپ خود قرار دهد، هرگاه به رکن یمانی رسید آن را لمس نموده بدون بوسیدن آن، اگر لمس کردن برایش مقدور نبود، نباید مزاحمت کند، و نه هم بسوی آن اشاره نماید.

و میان رکن یمانی و حجرالاسود این دعا را بخواند:
«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».
و هر بار که از مقابل حجر الاسود می گذرد، با دست اشاره کرده و «الله أكبر» بگوید.

و در بقیه طواف هر چه را دوست دارد بخواند، از قبیل ذکر و دعا و تلاوت قرآن.

سنت این است که در سه شوط اول طواف، رَمَل کند (راه رفتن سریع با قدم های کوتاه)، در چهار شوط بعدی، عادی راه برود.
پس از اتمام طواف، نزد مقام ابراهیم رفته و آیه «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» را خوانده، دو رکعت نماز بخواند، اگر برایش مقدور بود، و الا در جای دیگر مسجد می تواند بخواند، در رکعت اول

پس از سوره فاتحه، سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، و در رکعت دوم پس از سوره فاتحه: سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند.

﴿...وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى...﴾

﴿...وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى...﴾

(... و [مقرر کردیم که] مقام ابراهیم را نمازگاهی برای خویش انتخاب کنید...)، [البقرة: 125] سپس در صورت امکان دو رکعت نماز عقب مقام ابراهیم می خواند، وگرنه در هر جای مسجد نماز می تواند بخواند، در رکعت اول بعد از فاتحه می خواند:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾

([ای پیامبر،] بگو: ای کافران،) [الکافرون: 1] و در رکعت دوم بعد از فاتحه می خواند:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾

﴿ [ای پیامبر] بگو: «او الله یکتا و یگانه است»). [الإخلاص: 1].

ششم: صفت سعی:

پس از طواف و دو رکعت نماز طواف، به سوی مسعی (صفا و مروه) برود، هرگاه نزدیک صفا شد این آیه «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» را خوانده و بگوید: «أبدأ بما بدأ الله به».

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...﴾

﴿إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرَوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...﴾

(«صفا» و «مروه» از نشانه‌های [ظاهری شریعت] الله است...)

سپس بگوید: «با آنچه الله آغاز نموده، آغاز می‌کنم».¹

سپس بر فراز صفا رفته، رو به کعبه کند، وحدانیت الله را بیان نموده و تکبیر بگوید، و این اذکار را سه بار تکرار کند:

«لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، لا إله إلا الله وحده، أنجز وعده، ونصر عبده، وهزم الأحزاب وحده»، و میان آن دعا نماید. ترجمه: «هیچ معبود بر حق جز الله نیست؛ او یکتا است و شریکی ندارد؛ پادشاهی و حمد و ثنا فقط از آن اوست؛ او بر انجام هر کاری تواناست؛ هیچ معبودی بجز الله یگانه وجود ندارد؛ وعده اش را عملی نمود، بنده اش را یاری کرد و احزاب را به تنهایی شکست داد». مانند این سه مرتبه تکرار نمود².

سپس از صفا به سوی مروه برود، هنگام رسیدن به علامت سبز، مردان با سرعت بدونند (سعی سریع) و پس از علامت دوم، عادی راه بروند، سعی سریع برای زنان مشروع نمی‌باشد. هرگاه به مروه رسید، همان کارها را انجام دهد که در صفا انجام داده بود (فقره شماره 2).

سپس از مروه به سمت صفا پایین می‌آید، وقتی به علامت سبز رسید، با سرعت بدود، پس از علامت دوم، عادی راه برود. این رفت و برگشت را تا ۷ شوط ادامه دهد (هر رفتن از صفا به مروه یک شوط، و برگشت از مروه به صفا شوط دیگر).

¹ مسلم در شماره (1218) روایت کرده است.

² مسلم در شماره: (1218) روایت نموده است.

و در سعی خود هر چه دوست دارد بخواند، اعم از ذکر و دعا و تلاوت قرآن.

هفتم: صفت تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر
هرگاه عمره کننده طواف و سعی خود را تمام کند، اگر مرد باشد موهای خود را بتراشد و یا کوتاه کند، و سنت این است که تراشیدن یا کوتاه کردن شامل تمام سر باشد.

حلق برای مردان بهتر است، مگر این که موسم حج نزدیک باشد، بگونه که برای رویدن موی سر وقت نباشد؛ در این صورت تقصیر بهتر است.

اما زنان فقط به اندازه یک بند انگشت از موهایشان را کوتاه می کنند.

محرم حج (چه مُفَرِّد یا قارِن) تا روز عید و پس از رمی جمره عقبه، اجازه تراشیدن مو ندارد.

با انجام این اعمال، عمره معتمر و عمره حاجی متمتع به پایان می رسد.

صفت حج

اول: بستن احرام حج:

برای کسی که می خواهد حج را به جا آورد، سنت این است که در چاشت روز ترویبه که روز هشتم ذی الحجه است، از جایی احرام ببندد که می خواهد از آنجا حج را به جا آورد، اگر داخل مکه یا از میقات نزدیکتر باشد، وگرنه از میقاتی که از آن عبور می کند احرام ببندد.

هنگام احرام بستن برای حج، همان اعمالی را انجام می دهد که در احرام عمره انجام داده است؛ مانند غسل، استعمال عطر و نماز خواندن، سپس نیت احرام حج کرده و تلبیه میگوید، و شیوه تلبیه در

حج همانند عمره است، با این تفاوت که به جای «لَبِيكَ عَمْرَةَ» می گوید: «لَبِيكَ حَجًّا».

اگر شخص از وجود مانعی که او را از تکمیل مناسک باز می دارد خوف داشته باشد، می تواند در هنگام احرام شرط بگذارد و بگوید: «...وَإِنْ حَبَسَنِي حَابِسٌ فَمَجَلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي»، پس اگر شرط گذاشت و مانعی پیش آمد، از احرام خارج می شود و هیچ تکلیفی بر او نیست.

سپس پیوسته تلبیه را تکرار کند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ»، مردان با صدا بلند می گویند و زنان نیز. اگر در حضور نامحرمی نباشند. می توانند بلند بخوانند. بر مُحْرِم سزاوار است که به ویژه در هنگام تغییر حالات و زمان ها (مانند بالا رفتن از بلندی، فرود آمدن به دره، فرارسیدن شب یا روز) تلبیه را زیاد تکرار کند. تلبیه از زمان احرام تا آغاز رَمِي جمره عقبه در روز عید، سنت است.

بر مُحْرِم واجب است از ارتکاب محرمات احرام تا زمان حلال شدن از احرام، پرهیز کند.

دوم: مَبِیت (شب گذراندن) در مِنی:

سپس مستحب است در روز هشتم (ذی الحجه) به مِنی برود و نمازهای ظهر، عصر، مغرب، عشا و فجر را به صورت قصر (بدون جمع) در آنجا بخواند؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مِنی نمازها را قصر می خواند و جمع نمی کرد.

سوم: وقوف در عرفات و مبیت (شب گذراندن) در مُزْدَلَفَه:

پس از طلوع خورشید در روز نهم (روز عرفه)، از مِی به سمت عرفات حرکت می کند و در نمره تا زمان زوال توقف می کند؛ اگر ممکن شد، وگرنه اشکالی ندارد، زیرا توقف در نمره سنت است.

هنگام زوال خورشید، نماز ظهر و عصر را به صورت دو رکعتی (جمع تقدیم) می خواند، همانگونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام داد.

پس از نماز، به ذکر، دعا و تضرع به درگاه الله متعال روی می آورد و با بلندکردن دستها و رو به قبله بودن، هر دعایی که می خواهد می خواند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در آن موضع عظیم بیشتر این دعا را می خواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

اگر خسته شد و خواست با گفتگوهای مفید با همراهان یا خواندن کتاب های سودمند . به ویژه درباره کرم و نعمت های الله متعال . روحیه بگیرد، اشکالی ندارد، سپس باید به دعا و تضرع بازگردد و پایان روز عرفه را برای دعا غنیمت شمارد؛ زیرا بهترین دعاها، دعای روز عرفه است.

با غروب خورشید، به سمت مُزْدَلَفَه حرکت می کند. هنگام رسیدن به مُزْدَلَفَه، نماز مغرب (سه رکعت) و عشا (دو رکعت) را به صورت جمع می خواند.

اگر بیم دارد که پس از نیمه شب به مُزْدَلَفَه برسد، نماز را حتی پیش از رسیدن بخواند و تأخیر آن به پس از نیمه شب جایز نیست.

در مُزْدَلَفَه مَبِیت (شب می گذراند) می کند، و پس از آشکار شدن سپیده، نماز فجر را زودتر با اذان و اقامه می خواند. سپس به سمت مشعرالحرام می رود و به یگانگی الله، تکبیر و دعا می پردازد تا آسمان کاملاً روشن شود، اگر رفتن به مشعرالحرام ممکن نبود، در همان محل دعا کند؛ چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «اینجا ایستادم و تمام مُزْدَلَفَه جای ایستادن است»، هنگام دعا رو به قبله و با بلندکردن دستها باشد. «من اینجا ایستادم، در حالی که مزدلفه همه موقف و ایستگاه است». و در حالت ذکر و دعا باید به سوی قبله باشد، با دستان برافراشته.

چهارم: اعمال روز عید:

پس از سپیده دم، پیش از طلوع خورشید، از مُزْدَلَفَه به سمت مِنی حرکت می کند و در وادی مُحَسَّر تیز می رود. هرگاه به مِنی رسد، جمره عقبه (آخرین جمره در سمت مکه) را با هفت سنگ ریز (به اندازه هسته خرما) به صورت پیاپی رَئی می کند و با هر سنگ تکبیر می گوید.

سپس اگر ممکن باشد، قربانی خود را ذبح می کند. آنگاه مردان موهای خود را می تراشند و یا کوتاه می کنند، تراشیدن بهتر است، و زنان فقط موهای خود را کوتاه می کنند. پس از رَئی و تراشیدن مو، «تحلل اول» حاصل می شود و همه چیز جز آمیزش با همسر، حلال می گردد.

سپس به مکه می رود و طواف افاضه را انجام می دهد، اگر مُتَمَتَّع است یا به صورت افراد یا قِران حج گزارده و پیش از این سعی نکرده، سعی حج را انجام می دهد، می تواند طواف و سعی را به شب یا روز بعد موکول کند، به گونه ای که برای او آسان باشد.

پنجم: اعمال ایام تشریق

پس از رَمی، تراشیدن مو، طواف و سعی، «تحلل کامل» حاصل می شود و همه چیز. حتی آمیزش با همسران. حلال می گردد. سپس به مِنی باز می گردد و شب های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم (اگر تأخیر می نماید) را در آنجا می ماند.

پس از زوال خورشید، جمرات سه گانه را رَمی می کند: در روز یازدهم، ابتدا جمره اولی (دورترین جمره به مکه و نزدیک به مسجد خیف) را با هفت سنگ ریزه رَمی می کند و پس از آن، کمی جلو رفته و دعای طولانی می خواند، اگر وقوف و دعا برایش مشکل است، دعای کوتاه نیز کافی است، تا این که به سنت عمل شده باشد. سپس جمره وسطی را رَمی کرده و دعا می کند.

در پایان، جمره عقبه را رَمی کرده و می رود، پس از آن دعا نمی کند. در روز دوازدهم نیز مانند روز یازدهم عمل می کند؛ پس از پایان رَمی، اگر بخواهد می تواند تعجیل کرده و از مِنی خارج شود.

اگر بخواهد، می تواند شب سیزدهم را در مِنی بماند و جمرات را پس از زوال رَمی کند، که تأخیر بهتر است.

تأخیر تا روز سیزدهم تنها در صورتی واجب است که خورشید در روز دوازدهم در حالی که در مِنی است غروب کند؛ برای او تأخیر لازم است تا رَمی جمرات سه گانه پس از زوال.

لکن اگر در روز دوازدهم در مِنی بدون اختیار او خورشید بر او غروب کند، مانند اینکه حرکت نموده و سوار شده باشد ولی به سبب ازدحام یا مانند آن تأخیر صورت گرفته باشد؛ او ملزم به تأخیر نیست؛ زیرا تأخیر او تا غروب خورشید در اختیار او نبوده است.

ششم: طواف وداع:

هنگام خروج از مکه به سوی وطن اش، باید پیش از حرکت، طواف وداع انجام دهد.

حایض و نفسا از وداع معاف اند، و نباید برای وداع کنار مسجد الحرام بایستند؛ چراکه این عمل از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل نشده است.

اگر می خواهد سفر نماید، طواف وداع باید آخرین عمل او در بیت الله الحرام باشد.

اگر پس از طواف، برای انتظار همراهان، حمل بار یا خرید مایحتاج توقف کرد، اشکالی ندارد، مگر آنکه قصد تأخیر سفر را داشته باشد، مانند تأخیر سفر در اول روز و یا تأخیر سفر به آخر شب، در این صورت باید طواف را تکرار کند.

فهرست

2	مختصری در مورد طریقه حج
2	پیشگفتار
2	اول: شرایط پذیرش عبادت
3	اول: احکام میقات ها
4	دوم: انواع حج و احکام آن
5	سوم: صفت احرام و احکام آن
6	چهارم: محرمات احرام
7	پنجم: چگونگی طواف
9	ششم: صفت سعی
11	صفت حج
11	اول: بستن احرام حج
12	دوم: مبیت (شب گذراندن در مِنی)
13	سوم: وقوف در عرفات و مبیت (شب گذراندن در مُزْدَلِفَه)
14	چهارم: اعمال روز عید
15	پنجم: اعمال ایام تشریق
16	ششم: طواف وداع